

۱. دعای عیسی برای حواریونش

یوحنا ۱۷: ۲۶-۱

آخرین روز عیسی بر روی زمین

لینک ویدیوی یوتیوب با زیرنویس به ۷۰ زبان: <https://youtu.be/RywPiHDatUk>

در این مجموعه، ما بر شخصیت عیسی و هدف او از آمدنش، و همچنین رویدادهایی که به مصلوب شدن او انجامید و اینکه چگونه توسط خدا پیشگویی شده بودند، تمرکز می‌کنیم. هدف ما درک نقشه خدا و اینکه چرا عیسی باید می‌مرد است. حواری پطرس، در موعظه درباره مرگ و رستاخیز مسیح در روز پنطیکاست، گفت: «او به اراده از پیش معین و پیش‌دانش خدا تسلیم شد» (اعمال رسولان ۲: ۲۳). همه باید این حقیقت را عمیقاً در دل خود جای دهند — که برای مرگ مسیح دلیلی وجود داشت. ما می‌دانیم که همه ما می‌میریم، اما مرگ عیسی چه ویژگی خاصی داشت؟ آیا می‌دانستید ۳۲۲ پیشگویی در عهد عتیق وجود دارد که صدها سال پیش از آمدن مسیح بیان شده‌اند و از زندگی و مرگ او به عنوان لحظات محوری در تاریخ بشر سخن می‌گویند؟ (کسی اشاره کرده است که تاریخ، داستان اوست). در داستان او، مرگ و رستاخیز مسیح در مرکز تمام اتفاقاتی قرار دارد که از ابتدای زندگی روی زمین رخ داده است. آنچه عیسی بر روی صلیب به انجام رساند، تمام دلیل آمدنش بود. اگر دلیل مرگ او را درک نکنید، کل مطلب را از دست می‌دهید. ما این مجموعه را با تمرکز بر دعای عیسی که پیش از تمام وقایع پرماجرایی آن روز آخر صورت گرفت، آغاز می‌کنیم.

آماده‌سازی حواریون از طریق دعا

در فصل‌های ۱۳ تا ۱۷ انجیل یوحنا، این رسول سخنان و اعمال عیسی را به یاد می‌آورد، زمانی که او حواریون خود را برای مصلوب شدن و آنچه پس از صعودش به پیش پدر رخ خواهد داد، آماده می‌کرد. یوحنا می‌گوید که پس از پایان شام آخر، آنها برای پیاده‌روی یک مایلی به سوی باغ جنسیمانی راه افتادند (۱۴: ۳۱). در جایی نزدیک معبد توقف کردند و در فصل‌های ۱۵ و ۱۶، سخنان نهایی عیسی در زمینه تعلیم و تسلی ادامه می‌یابد. در فصل هفدهم، خداوند دل خود را در دعایی به سوی پدر می‌گرداند. ما در کتاب مقدس به بینشی در مورد این گفتگوی صمیمانه دست می‌یابیم، زمانی که مسیح برای خود و حواریونش دعا می‌کند. در این دعا، ما جلوه‌ای از عشق عظیم خدا را می‌بینیم.

عیسی می‌دانست که به زودی با دستگیری و مصلوب شدن روبرو خواهد شد. با این حال، او نگران حواریون خود بود، زیرا می‌دانست ایمان آنها با مرگ او به دست رومیان و رهبران مذهبی شورشی یهود به شدت مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. کتاب مقدس ثبت می‌کند که تنها یکی از یازده حواری، یعنی حواری یوحنا، در هنگام مصلوب شدن حضور داشت؛ دیگران احتمالاً برای اینکه به عنوان پیروان او شناسایی نشوند، از دور نگه می‌داشتند. فصل هفدهم اکنون ما را در حالی که عیسی پیش از تارک شدن هوا با آنها دعا می‌کرد، به طور صمیمانه و نزدیک درگیر می‌کند. دعای او به پدر سه بخش دارد. در بخش اول، عیسی برای خود دعا می‌کند (آیات ۵-۱)؛ بخش دوم بر دعا برای حواریون تمرکز دارد (آیات ۶-۱۹)؛ و بخش آخر دعای خداوند برای همه کسانی است که در طول اعصار ایمان خواهند آورد (آیات ۲۰-۲۴). بیایید بر هر بخش از این دعای فوق‌العاده عیسی تمرکز کنیم.

عیسی برای خود دعا می‌کند (یوحنا ۱۷: ۵-۱)

۱ پس از اینکه عیسی این را گفت، به سوی آسمان نظر کرد و دعا نمود: «ای پدر، ساعت رسیده است. پسر را جلال ده تا پسر نیز تو را جلال دهد. ۲ زیرا تو اختیار همه مردم را به او داده‌ای تا به همه کسانی که به او داده‌ای، حیات جاودان بخشد. ۳ و این همان حیات جاودان است: که تو را، خدای یگانه‌ی حقیقی، و عیسی مسیحی را که فرستاده‌ای، بشناسند. ۴ من تو را بر زمین جلال دادم، زیرا کاری را که به من سپرده بودی، به پایان رساندم. ۵ و اکنون، ای پدر، در حضور خود، م، مرا جلال ده به جلالی که پیش از آفرینش جهان نزد تو داشتم (یوحنا ۱۷: ۵-۱).

بیش از سه سال پیش، در آغاز رسالت خود، خداوند عیسی از ساعتی سخن گفت که در آن خدا را به شکوه فراوان خواهد رساند. در عروسی قنای جلیل، به مادرش گفت: «ساعت من هنوز نرسیده است» (یوحنا ۲: ۴). سه بار در فصل هفتم یوحنا (آیات ۶، ۸ و ۳۰)، او همچنین گفت که زمان یا ساعتش هنوز نرسیده است. اما اکنون، تنها چند ساعت پیش از مصلوب شدنش، عیسی دعا کرد: «ای پدر، ساعت رسیده است. پسر را جلال ده تا پسر نیز تو را جلال دهد» (یوحنا ۱۷: ۱).

عیسی وقتی به صلیب به عنوان جلال و جلالت خود اشاره کرد، منظورش چه بود؟ (آیه ۱) صلیب چگونه جلال را به پدر می‌بخشد؟

تجلیل از خدا

کلمه «جلال» به چه معناست؟ در عهد عتیق، رایج‌ترین کلمه عبری که به «جلال» ترجمه می‌شود «کبود» (*kabod*) است که به معنای «سنگین در وزن» است. در کتاب خروج، موسی به خداوند گفت: «از تو می‌خواهم، جلال خود را به من نشان ده!» (خروج ۳۳: ۱۸). او چه چیزی را درخواست می‌کرد؟ موسی مشتاق بود که در این سوی آسمان، درخشش، زیبایی،

شکوه و جلال خداوند را ببیند. در عهد جدید، واژه یونانی که به «جلال» ترجمه شده، «دوکسازو» (doxazo) است. این واژه برای توصیف «سلیمان در تمام جلالش» (متی ۶: ۲۹) و «تمام پادشاهی‌های جهان و جلالشان» (متی ۶: ۸) به کار رفته است. تجلیل از کسی به معنای به رسمیت شناختن اهمیت یا ارزش یک ویژگی مطلوب است که آن شخص از آن برخوردار است. هنگامی که عیسی از تمایل خود برای جلال دادن پدرش و جلال یافتن از طریق صلیب سخن گفت، او منحصر به فرد بودن عشق و رحمت خدا را که از طریق مسیحی که به جای گناهکاران مصلوب شد، به نمایش درآمد، برجسته ساخت.

ادیان بسیاری خدا را خشن و خشمگین به تصویر می‌کشند، اما در این بخش می‌بینیم که اطاعت عیسی از پدر، طبیعت واقعی خدا را آشکار می‌سازد. بله، او خدای باشکوهی است که عدالت و داوری را اجرا می‌کند، اما او خدای عشق، رحمت و مهربانی نیز هست؛ چیزی که از هزینه عظیمی که برای آوردن ما گناهکاران مقصر به پیش خود پرداخت، آشکار می‌شود. اگر عیسی پیش از صلیب متوقف می‌شد، این نشان می‌داد که برای عشق خدا محدودیتی‌هایی وجود دارد. عیسی تا پای صلیب پیش رفت تا نشان دهد که برای محبت و رحمت خدا هیچ محدودیتی وجود ندارد. اگر راه دیگری وجود داشت، آیا فکر نمی‌کنید خدا به جای سیردن پسرش به مرگ بر صلیب، از آن راه استفاده می‌کرد؟ صلیب، عظمت و جلال خدا را آشکار می‌سازد و با صدای بلند از شخصیت پدر می‌گوید و عشق او را به وضوح به ما نشان می‌دهد.

سپس عیسی درباره هدیه زندگی جاودان که به همه کسانی می‌دهد که پدر به او می‌بخشد (آیه ۲)، دعا کرد. این زندگی جاودان چیزی فراتر از نداشتن محدودیت زمانی یا عدم وجود زمان است؛ فراتر از آن، کیفیتی از زندگی است. همه ما برای همیشه زندگی خواهیم کرد؛ تنها مسئله این است که ابدیت را کجا خواهیم گذراند. با توبه و ایمان ما به مسیح، هدیه زندگی سرنوشت ابدی ما را تغییر می‌دهد و فرآیندی از دگرگونی را آغاز می‌کند که ما را از درون به بیرون دگرگون می‌سازد: «و همه ما که با چهره‌های بی‌پوشش جلال خداوند را می‌نگریم، به شباهت او با جلالی فزاینده دگرگون می‌شویم؛ این جلال از خداوند که روح است، سرچشمه می‌گیرد» (دوم قرنتیان ۳: ۱۸). ما تنها زمانی نتایج این دگرگونی را می‌بینیم که از این زندگی به زندگی ابدی منتقل شویم. ما ارواحی فناپذیر هستیم که در خیمه‌های موقت این بدن‌های فیزیکی زندگی می‌کنیم.

زیرا تا زمانی که در این خیمه [بدن فیزیکی فانی خود] هستیم، آه می‌کشیم و بار داریم، زیرا ما نمی‌خواهیم برهنه شویم، بلکه می‌خواهیم به جای آن با مسکن آسمانی خود پوشانده شویم، تا آنچه فانی است در حیات فرو بلعیده شود (دوم قرنتیان ۵: ۴).

عیسی سپس جوهر این هدیه زندگی را که به قوم خود می‌دهد، توصیف کرد: شناخت پدر و پسر است.

و این است حیات جاودان: که تو را، خدای یگانه حقیقی، و عیسی مسیحی را که فرستاده‌ای، بشناسند (آیه ۳).

هنگامی که این هدیه زندگی را دریافت می‌کنیم، روح القدس وارد زندگی ما می‌شود و کار خود را برای گشودن ذهن و قلب ما به سوی شخص و کار خداوند ما عیسی مسیح آغاز می‌کند، و در عین حال به ما آشکار می‌سازد که پدر چگونه است. ایمان آوردن ما، فراتر از صرف دانستن درباره شخصیت خداست؛ بلکه نشان‌دهنده آغاز رابطه ما با اوست. هرگاه عمق محبت خدا را نسبت به خود درک می‌کنیم، در پاسخ، او را دوست می‌داریم. مؤمن برای یک رابطه عهدی و صمیمی با خدای متعال مقدر شده است. این نوع رابطه نزدیک، سرنوشت نهایی ماست و فداکاری نهایی خدا نیز برای همین بوده است.

عیسی برای حواریونش دعا می‌کند (یوحنا ۱۷: ۶-۱۹)

۶من تو را به کسانی که از جهان به من داده‌ای، آشکار ساخته‌ام. آنها از آن تو بودند؛ تو آنها را به من دادی و آنها از کلام تو اطاعت کردند. ۷اکنون می‌دانند که هر آنچه به من داده‌ای، از جانب توست. ۸زیرا من کلماتی را که تو به من دادی به آنها دادم و آنها آن را پذیرفتند. آنها با یقین دانستند که من از نزد تو آماده‌ام و ایمان آوردند که تو مرا فرستاده‌ای. ۹من برای آنها دعا می‌کنم. من برای جهان دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی که تو به من داده‌ای، زیرا آنها از آن تو هستند. ۱۰هرچه من دارم از آن توست و هرچه تو داری از آن من است. و جلالی که از آنها نصیب من شده است. ۱۱من دیگر در جهان نخواهم ماند، اما آنها هنوز در جهان هستند و من به سوی تو می‌آیم. ای پدر مقدس، به قدرت نام خود از آنها محافظت کن، همان نامی که به من داده‌ای، تا آنها نیز یکی باشند، همان‌طور که ما یکی هستیم. ۱۲در زمانی که با آنها بودم، به آن نامی که به من دادی، از آنها محافظت کردم و آنها را نگه داشتم. هیچ‌یک از دست نرفتند جز آن کسی که محکوم به هلاکت بود تا کلام کتاب محقق شود. ۱۳اکنون به سوی تو می‌آیم، اما این سخنان را در حالی می‌گویم که هنوز در جهان هستم، تا آنها کمال شادی مرا در درون خود داشته باشند. ۱۴من کلام تو را به آنها داده‌ام و جهان از آنها بیزار بوده است، زیرا آنها از جهان نیستند، همان‌طور که من از جهان نیستم. ۱۵دعای من این نیست که آنها را از جهان برداری، بلکه این است که از شریر محافظت کنی. ۱۶آنها از این جهان نیستند، همان‌طور که من از آن نیستم. ۱۷آنها را به راستی مقدس ساز؛ کلام تو راستی است. ۱۸همان‌طور که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنها را به جهان فرستادم. ۱۹من به خاطر آنها خود را مقدس می‌سازم تا آنها نیز به راستی مقدس شوند (یوحنا ۱۷: ۶-۱۹).

عیسی اکنون درباره اهمیت کلام خدا که با شاگردانش در میان گذاشته بود (آیات ۸-۱۴) دعا کرد. در اواخر قرن چهاردهم، هنگامی که جان ویکلیف عهد عتیق و عهد جدید را به انگلیسی ترجمه کرد، جهمی به پا شد تا انتشار کتاب مقدس را ممنوع کنند و آن را به منبرها زنجیر کنند، تا فقط به زبان لاتین از آن سخن گفته شود و مردم نتوانند آن را بفهمند. امروز، کلام خدا به زبان‌های بسیاری در سراسر جهان منتشر شده است، بنابراین دشمن استراتژی خود را تغییر داده تا مردم را آنقدر مشغول نگه دارد که وقت خواندن، تأمل و رشد در دانش خود از خداوند ما عیسی مسیح را نداشته باشند.

عیسی گفت: «کلماتی که به شما گفته‌ام روح و حیات است» (یوحنا ۶: ۶۳). جای تعجب نیست که دشمن ما کار خود را این می‌داند که ما را از منبع حیات‌بخش کلام خدا دور نگه دارد.

زمانی یک دستمزد تنها می‌توانست یک خانواده کامل را تأمین کند. اکنون به نظر می‌رسد که همه، حتی سگ و گربه، باید کار کنند تا فقط بتوانند شکم‌شان را سیر کنند و وام مسکن‌شان را پرداخت کنند! اگرچه کلام خدا امروزه در اکثر کشورها برای مردم در دسترس‌تر است، اما ما آن‌قدر در زیر هجوم رسانه‌ها غرق شده‌ایم که زمان اندکی برای تأمل در آن داریم. باید بپذیریم که هدف اصلی شیطان این است که به هر نحو ممکن کلام خدا را غرق کند. شنیدن کلام خدا برای شما چقدر اهمیت دارد؟ عیسی گفت که این کلام، مجرای خدا یا ابزار او برای دگرگون ساختن مؤمن است: «آنها را به راستی تقدیس کن؛ کلام تو راستی است» (آیه ۱۷). یازده شاگرد کلام خدا را شنیدند، ارج نهادند و از آن اطاعت کردند (یوحنا ۶: ۱۷).

خدمت کلام خدا در روزهای اولیه مسیحیت چقدر حیاتی بود؟ هنگامی که میان یهودیان یونانی‌زبان ساکن سرزمین اسرائیل بر سر اینکه بیوه‌زنانشان در توزیع روزانه غذا به ناحق مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، اختلافی پیش آمد، حواریون از صرف وقت بیشتر برای مدیریت و نظارت بر این امور خودداری کردند. در عوض، آنها کمیته‌ای را برای انتخاب هفت مرد جهت رسیدگی به این امور تشکیل دادند و گفتند: «ما این مسئولیت را به آنها واگذار می‌کنیم و خود را وقف دعا و خدمت به کلام خواهیم کرد» (اعمال رسولان ۴: ۶). آنها دریافتند که حیاتی‌ترین جنبه رشد و سرزندگی کلیسا این است که رهبران آن مردانی باشند که اهل دعا هستند و به تعلیم کتب مقدس متعهدند. امروزه بسیاری از کلیساها از کشیشان خود انتظار دارند که همچون مدیران عامل عمل کنند، در حالی که نیاز واقعی این است که آنها کلام خدا را تعلیم دهند. برکت و مسح روح‌القدس بر کلیساهایی خواهد بود که بر این دو حوزه کلیدی خدمت خود تمرکز کنند: کلام خدا و دعا.

سپس عیسی برای محافظت از حواریون دعا کرد. او گفت: «آنها را به قدرت نام خودت، همان نامی که به من داده‌ای، محافظت کن تا چنانکه ما یکی هستیم، آنها نیز یکی باشند» (یوحنا ۱۱: ۱۷). نام عیسی چه معنایی دارد؟ این نام چیزی را درباره ذات خدا آشکار می‌سازد. در زبان عبری، حرف J وجود ندارد. نام عیسی در عبری «یشوع» یا «یهوشوع» است که به معنای «یهوه نجات است» یا «یهوه نجات می‌دهد» می‌باشد. عیسی از طریق عمل مطیعانه خودکشی، یعنی فدا کردن جان، خوی خدا را آشکار ساخت و پدر را جلال داد تا قومش بتوانند نجات یابند.

دعا برای محافظت از حواریون در برابر شرور

سپس عیسی در آیه پانزدهم دعا کرد که پدر ما را محافظت کند، نه با دور کردن ما از جهان، بلکه با محافظت از ما در برابر شریر در حالی که هنوز در آن هستیم. «دعای من این نیست که آنها را از جهان برداری، بلکه این است که از شریر محافظت کنی» (یوحنا ۱۵: ۱۷). پروردگار می‌دانست که حواریونش در این جهان شرور کنونی به محافظت در برابر شیطان نیاز خواهند داشت. زیست که بدانیم عیسی نه تنها برای محافظت از آنها، بلکه برای همه کسانی که روزی او را خواهند شناخت نیز دعا کرد. به یاد داشته باشید که خدا بیرون از زمان وجود دارد. او همه کسانی را که از آن او هستند می‌شناسد! عیسی نه تنها در آن لحظه برای حواریون خود، بلکه برای هر کسی که روزی به او ایمان خواهد آورد، دعا می‌کرد. در این دعا، در راه به سوی باغ جشیمانی، او برای شما دعا می‌کرد اگر از حواریون او هستید (آیه ۲۰). شما کانون توجه و دعا او در آن شب بودید. چه شگفت‌انگیز است! می‌خواهم یک داستان شخصی از محافظت خدا را که هرگز فراموش نخواهم کرد، با شما در میان بگذارم:

من در خانواده‌ای بزرگ شدم که پدر و پدربزرگ ماهیگیران تجاری بودند و در دوران نوجوانی‌ام، پدرم از یک کشتی‌ساز (قایق‌ساز) خواست تا یک قایق ماهیگیری تجاری جدید برای ما بسازد. ساخت آن بیش از سه سال طول کشید. همانطور که ساخت این شناور چهل و پنج فوتی به پایان می‌رسید، فصل صید اسپرانت زمستانی (ماهی کوچکی شبیه ماهی کیلکا) آغاز شد و گله‌های بزرگی از ماهی را به خود جلب کرد که در دریای شمال، خارج از بندر خانگی ما در هارویچ در سواحل شرقی انگلستان صید می‌شدند. ما سریعاً قایق جدید را به آب انداختیم و یک گله بزرگ ماهی پیدا کردیم. آن روز حدود سی و چهار تن ماهی صید کردیم و شروع به پر کردن هر دو قایق‌مان کردیم. با شروع پر کردن محفظه بار با ماهی، قایق بیشتر در آب فرو رفت و ماهی‌های اسپرانت روی عرشه انباشته شدند. با گذشت روز، هوا بادی شد و طوفانی با شدت ۸ (نیروی باد) وزید. همین‌طور که به سمت بندر خانگی‌مان حرکت می‌کردیم، به دلیل پایین آمدن شدید قایق در آب، امواج روی نرده‌های آن می‌ریختند. آنگاه بود که متوجه شدیم اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ایم: ما هیچ سوراخ تخلیه‌ای (سوراخ‌هایی در بدنه در سطح عرشه) برای خروج آب از روی عرشه ایجاد نکرده بودیم.

با هجوم امواج از روی نرده، آب جایی برای رفتن نداشت و باعث شد قایق شروع به غرق شدن کند. «جین ماری» (که به نام خواهرم نامگذاری شده بود) دو محفظه جلویی با دیوارهای آب‌بند داشت. نیمه عقب قایق کاملاً زیر آب رفته بود و نرده عقب آن به طور کامل زیر آب قرار داشت. ایستادن روی عرشه قایقی که نیمه آن زیر آب رفته است، حس عجیبی دارد. تور روی عرشه شروع به شناور شدن کرد و درپوش‌های محفظه بار نیز همین‌طور. چکمه‌های رانم را درآوردم تا اگر «جین ماری» غرق شود و چکمه‌هایم پر از آب شود، به زیر کشیده نشوم. موتورخانه و کابین ما را روی آب نگه داشته بودند، اما نمی‌توانستیم حرکت کنیم چون زاویه قایق مانع از حرکت رو به جلوی ما می‌شد. قایق دیگرمان، «وای ووری»، مجبور شد ما را به سلامت به داخل بندر ببرد. آن موقع بود که تصمیم گرفتم باید شنا یاد بگیرم! من همیشه به چنین حوادثی فکر کرده‌ام و دریافت‌ام که خداوند فرشتگانی را برای محافظت از من گماشته بود. من چندین داستان مشابه از تجربیاتم در دریا دارم. اکنون در می‌یابم که حتی زمانی که او را نمی‌شناختم، او مراقب من بود و از من در برابر آسیب محافظت می‌کرد. او مقاصد خود را برای ما به انجام خواهد رساند. دست او آنقدر کوتاه نیست که نتواند ما را نجات دهد (اشعیا ۵۹: ۱).

راه‌های مختلفی را که خداوند شما را از شر حفظ کرده است، به اشتراک بگذارید، به‌ویژه مواردی که معتقدید خداوند برای حفظ امنیت شما مداخله

کرده است.

عیسی گفت که ما باید در جهان باشیم اما از آن نباشیم (یوحنا ۱۷: ۱۵-۱۷). یک مسیحی باید مانند قایق ماهیگیری پدرم باشد. اگر آب بیرون می‌ماند، همه چیز خوب بود، اما وقتی آب شروع به نفوذ به داخل قایق کرد، اوضاع به سرعت خراب شد. دنیا باید بیرون از زندگی ما باقی بماند. به محض اینکه اجازه دهیم تأثیرات فاسدکننده این دنیا در بخش درونی زندگی‌مان جای گیرند، شادی و آرامش خود را از دست می‌دهیم و آنچه در درون است به بیرون جاری خواهد شد: «آنچه به دهان انسان وارد می‌شود، او را نجس نمی‌کند، بلکه آنچه از دهان او خارج می‌شود، او را نجس می‌کند» (متی ۱۵: ۱۱).

دعای عیسی در آن زمان این نبود که پدر، حواریون را از جهان بیرون ببرد، بلکه برای محافظت از آنها بود. آنها هنوز کاری برای انجام دادن داشتند، به همین دلیل نمی‌توانستند با او بروند. روح باید می‌آمد و آنها را برای انتشار کلام جان‌بخش او، حتی به غیریهودی‌ها، توانمند می‌ساخت. همین امر در مورد شما نیز صدق می‌کند. اگر مسیح را می‌شناسید، مأموریت دارید که کلام او را به اشتراک بگذارید و در حالی که هنوز فرصتی برای شنیدن و ایمان آوردن مردم به کلام خدا وجود دارد، همچون نمک و نور باشید. لازم نیست در خدمت تمام‌وقت باشید تا تأثیر ماندگاری بر دیگران برای خداوند داشته باشید. شما همین حالا هم این فراخوان را دارید!

عیسی برای اتحاد همه مؤمنان دعا می‌کند (یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۶)

۲۰ «دعای من تنها برای آنها نیست. من همچنین برای کسانی دعا می‌کنم که از طریق پیام آنها به من ایمان خواهند آورد، ۲۱ تا همگان یکی شوند، ای پدر، همان‌طور که تو در من هستی و من در تو هستم. باشد که آنها نیز در ما یکی باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی و آنها را همان‌طور که مرا دوست داشتی، دوست داشتی. ۲۲ من جلالی را که تو به من دادی به آنها داده‌ام، تا یکی باشند، همان‌طور که ما یکی هستیم — ۲۳ من در آنها و تو در من — تا به کمال وحدت برسند. آنگاه جهان خواهد دانست که تو مرا فرستاده‌ای و آنها را همان‌گونه که مرا دوست داشته‌ای، دوست داشته‌ای. ۲۴ «ای پدر، می‌خواهم کسانی را که به من داده‌ای، با من در جایی که من هستم باشند و جلال مرا ببینند، جلالی که تو به من داده‌ای، زیرا پیش از آفرینش جهان مرا دوست داشته‌ای. ۲۵ «ای پدر صالح، هرچند جهان تو را نمی‌شناسد، من تو را می‌شناسم و آنها می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. ۲۶ من تو را به آنها شناساندم و باز هم تو را خواهم شناساندم تا محبتی که تو به من داری در آنها باشد و من نیز در آنها باشم.» (یوحنا ۱۷: ۲۰-۲۶).

عیسی در آیه ۲۱ دعا کرد که کسانی که به او ایمان می‌آورند، یک باشند. آیا شما باور دارید که این دعا پیش از بازگشت عیسی مستجاب خواهد شد؟ اگر چنین است، برای واقعی شدن اتحاد، چه باید در میان مؤمنان اتفاق بیفتد؟ چرا اتحاد میان مؤمنان تا این حد ضروری است؟

اتحاد در میان مؤمنان چیزی است که خداوند در روزهای آخر در بدن مسیح به انجام خواهد رساند. روح جهان به سرعت بسیار ضد مسیحی در حال شدن است. من معتقدم زمانی را خواهیم دید که دیگر مهم نخواهد بود که شما بپتیست، متدیست، پرزبیتری، وینیارد و غیره هستید. آنچه اهمیت خواهد داشت این است که برای عیسی مسیح در مرکز زندگی خود بایستید و خانواده مؤمنان را دوست بدارید. این زمانی شبیه زمانی خواهد بود که مؤمنان کلیسای اولیه وحدت قلب را تجربه کردند: «همه این‌ها با اتفاق آرا، به همراه زنان و مریم، مادر عیسی، و برادران او، خود را وقف دعا کرده بودند» (اعمال رسولان ۱: ۱۴). به خاطر این وحدت، روح القدس در روز پنتیکاست با قدرت فراوان نازل شد. نسخه انگلیسی NIV کلمه یونانی «هوموثومادون» را این‌گونه ترجمه می‌کند: «آنها همه با هم پیوسته در دعا شرکت می‌کردند.» «هوموثومادون» ترکیبی از دو واژه است که به معنای «شتاب دادن» و «هم‌صدا» است. این تصویر تقریباً موسیقایی است؛ نت‌های بسیاری در می‌آمیزند و علی‌رغم تفاوت‌هایشان، در ارتفاع صدا و لحن هماهنگ می‌شوند. هم‌صدا بودن یا متحد بودن در روح، مانند سازهای یک کنسرت بزرگ است که تحت هدایت رهبر ارکستر، یعنی روح القدس، با هم کار می‌کنند، در حالی که اعضای کلیسای مسیح خود را به مسیح و یکدیگر وقف می‌کنند. هنگامی که در کلیسا وحدت وجود دارد، حضور متمایزی از خدا در میان آنان احساس می‌شود.

۱ چه نیکو و خوشایند است وقتی قوم خدا در وحدت با هم زندگی می‌کنند! ۲ این مانند روغنی گران‌بهاست که بر سر ریخته شده، و بر ریش، بر ریش هارون، و بر لبه جامه او سرازیر می‌شود. ۳ گویی شبنم هرمون بر کوه صهیون می‌بارد. زیرا خداوند در آنجا برکت خویش را، یعنی حیات جاودان را، عطا می‌کند. (مزمور ۱۳۳: ۱-۳).

اتحاد قلب، به باور من، جایی است که روح القدس کلیسای خداوند ما عیسی را به آن خواهد برد. خداوند اجازه خواهد داد که دوران‌های پراشوب پدید آیند تا ما بپیموزیم که در میان نیازهایمان بر یکدیگر و بر خداوند تکیه کنیم. اتحاد قلب و ذهن برای پادشاهی خدا همچون همان مسیحی خواهد بود که بر کاهن اعظم هارون هنگام نصبش نازل شد. آن روغن مسح، حضور روح را بر زندگی او نشان می‌داد، و در آنجا بود که خداوند برکتی را فرمان داد، یعنی زندگی جاودانه.

وقتی به تاریخ دو هزار ساله‌ی کلیسای عیسی مسیح نگاه می‌کنیم، سوابق نگران‌کننده‌ای از کار شیطان در ایجاد تفرقه در میان ما می‌بینیم. می‌دانم که هر دعایی که عیسی خواند، مستجاب خواهد شد، زیرا هر دعایی از دل پدر برخاسته بود. عیسی گفت: «**زیرا من از خود سخن نگفتم، بلکه پدری که مرا فرستاد، به من فرمان داد که هر آنچه را که گفته‌ام، بگویم**» (یوحنا ۱۲:۴۹). ما در دورانی زندگی می‌کنیم که خدا دعای مسیح را مستجاب کرده و وحدت را به کلیسای خود خواهد آورد. شاید بخواهید برای روح دعا کنید تا آن وحدت را که تنها نشانه‌ی الوهیت مأموریت مسیح بر روی زمین است، تقویت کند: «**من در ایشان و تو در من—تا به کمال وحدت برسند.**» آنگاه جهان خواهد دانست که تو مرا فرستاده‌ای و همان‌طور که از من محبت کردی، از آنها نیز محبت کرده‌ای» (یوحنا ۱۷:۲۳).

ای پدر، آیا قوم خود را تجهیز، تربیت و توانمند می‌سازید تا در این روزگار آنچه در توان داریم باشیم؟ از هر یک از ما استفاده کنید تا وحدت روح را آشکار سازیم و به جهان نشان دهیم که شما پسر خود را به جهان فرستادید تا مردان و زنان را با خود آشتی دهید. آمین!

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

فیسبوک: keith.thomas.549

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>